

«عرضه» در اقتصاد به چه معناست؟

سپیده پیری
خبرنگار

اقتصاد برای همه

در شماره های قبل از سلسله گزارش های «اقتصاد برای همه» در ادامه مفاهیم مربوط به بازار و قیمت گذاری مفهوم تقاضا را بررسی کردیم و حال نوبت به عرضه رسیده است. در یک تعریف ساده و ابتدایی عرضه (Supply) یعنی آن میزان مشخص از یک کالا که توسط تولید کننده در معرض فروش قرار می گیرد. مثلا گفته می شود، عرضه خودرو ۲۰۰ هزار دستگاه در سال است.

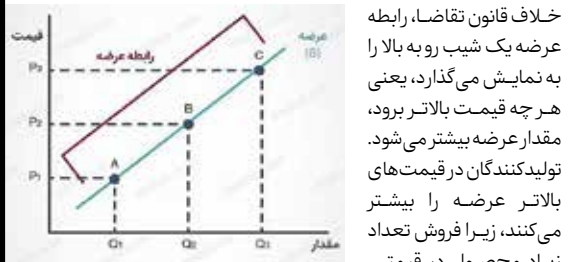
البته امکان دارد بخشی از محصولات تولیدشده، در انبار نگهداری و عرضه نشود. به بیان دیگر عرضه رابطه بین قیمت محصولات و خدمات و در دسترس بودن آنها در بازار را تعریف می کند. اگر قیمت ها بالا برود و بالا بماند، فروشندگان برای کسب سود، محصول را در مقادیر بیش تری عرضه می کنند. با فرض ثابت بودن سایر شرایط برخی عوامل بر میزان عرضه تاثیر دارند که از مهم ترین آنها می توان به قیمت کالا، تکنولوژی به کارفته در تولید آن کالا، قیمت عوامل تولید آن کالا، هزینه تولید کالا، تعداد عرضه کنندگان، سیاست گذاری های دولت، زمان و... اشاره کرد.

■ عرضه عصری از زمان

برخلاف رابطه تقاضا، رابطه عرضه عصری از زمان به حساب می آید. زمان در عرضه اهمیت دارد، زیرا تأمین کنندگان باید بسرعت به تغییر در عرضه یا قیمت واکنش نشان بدهند اما نه همیشه؛ بنابراین فهم این موضوع مهم است که آیا یک تغییر قیمتی در نتیجه تغییر در تقاضا، موقتی است یا دائم. فرض کنیم به دلیل شدت باران در فصل بهار، بازار شاهد افزایش تقاضا و قیمت برای محصول چتر است. تأمین کنندگان ممکن است خیلی ساده با شدت دادن به سرعت و زمان استفاده از تجهیزات خود، پاسخگوی تقاضا باشند، اما اگر این باران های مداوم در نتیجه تغییرات آب و هوا باشد، مردم برای کل سال به چتر نیاز خواهند داشت، در نتیجه انتظار می رود تغییر در تقاضا و قیمت طولانی مدت باشد؛ در نتیجه تأمین کنندگان، تجهیزات و زیرساخت های تولیدی خود را برای برطرف کردن این تقاضای طولانی مدت تغییر می دهند.

■ قانون عرضه

قانون عرضه نشان دهنده مقادیری است که با قیمتی مشخص به فروش می رسد، اما بر خلاف قانون تقاضا، رابطه عرضه یک شیب رو به بالا را به نمایش می گذارد، یعنی هر چه قیمت بالاتر برود، مقدار عرضه بیشتر می شود. تولید کنندگان در قیمت های بالاتر عرضه را بیشتر می کنند، زیرا فروش تعداد زیاد محصول در قیمتی بالاتر درآمد آنها را بیشتر می کند. برای مثال زمانی که سایا پراید را با قیمت ۲۷ میلیون تومان عرضه می کرد تمایل کمتری برای تولید با تمام توان داشت ولی در قیمت های فعلی با در نظر نگرفتن شرایط تحریم، قطعاً تمایل سایا پراید برای تولید بیشتر و کسب سود بالاتر بسیار زیاد است.



■ تعادل در اقتصاد چیست؟

حالا بعد از معرفی عرضه و تقاضا زمان آن رسیده که تعادل میان این دو بخش را در نظر بگیریم. هر جا که دو سمت عرضه کننده و تقاضای یک کالا با خیمات وجود داشته باشد اصطلاحاً بازار خوانده می شود. برخلاف آنچه مردم تصور می کنند بازار یک منطقه خاص از شهر نیست بلکه نسبت میان دو مفهوم عرضه و تقاضا است. در بازار یک کالای خاص باید بین رفتار تولید کنندگان و مصرف کنندگان هماهنگی وجود داشته باشد، یعنی تولید کنندگان همان میزان تولید کنند که مصرف کنندگان نیاز دارند، که عامل این تعادل قیمت کالا است. به محل تلاقی نمودار عرضه و تقاضا، نقطه تعادلی و به قیمتی که در آن بین میزان عرضه و تقاضا تعادل ایجاد شده است، قیمت تعادلی Equilibrium Price می گویند. یعنی مقدار محصولی که مصرف کنندگان می خواهند خریداری کنند (مقدار تقاضاشده) برابر با مقداری است که تولید کنندگان قصد فروش آن را دارند (مقدار عرضه شده). این



مقدار مورد تمایل مشترک عرضه کننده و تقاضا کننده، مقدار تعادلی است. در هر قیمت دیگر، مقدار تقاضا شده یا مقدار عرضه شده، برابر نخواهد بود. بنابراین بازار در آن قیمت، تعادل نخواهد داشت. اگر در جامعه و یا بازار اقتصادی مازاد عرضه و یا مازاد تقاضا اصلاح بشود قیمت تعادلی ایجاد می شود، مازاد تقاضا و یا مازاد عرضه به این معناست که مثلا اگر در زمستان بیش از نیاز بخاری تولید شود، مشکل به وجود می آید و یا اگر همین بخاری در تابستان تولید شود به دلیل اینکه این فصل نیازی به وسایل گرمایشی ندارد عملاً بی فایده است.

■ مازاد عرضه

اگر قیمتی بالاتر از قیمت تعادلی تعیین شود، مازاد عرضه در اقتصاد رخ می دهد و بازار با ناکارآمدی تخصیصی مواجه خواهد شد. از طرفی می توان گفت زمانی که قیمت یک کالا افزایش می یابد، میزان تقاضای آن کالا کمتر می شود و مصرف کننده تمایل خود را برای خرید آن کالا از دست می دهد. یعنی این قیمت (پول) است که بر میزان عرضه و تقاضا تاثیر مستقیم می گذارد.

هر چه بیشتر دو مفهوم عرضه و تقاضا را شناختیم به این نتیجه رسیدیم که بازار ایران در چند سال اخیر ناکارآمد تر از هر زمان دیگری بوده است. عرضه آنقدر کم بود که بساط قرع کشتی ماشین به راه افتاد. نمونه اش در تاریخ اقتصاد ایران کم نیست. اصولا هر جا که فرهنگ صف حاکم شد یعنی زور عرضه به تقاضا نرسیده بود. البته که یک عدم تعادل دیگر هم وجود دارد که بازار را به هم زده است. مثلا در رابطه با زرشک و زعفران عرضه زیاد است و به دلیل افزایش قیمت تقاضا کم.

اینکه بازار ایران چه زمانی فضای رقابتی و قیمت تعادلی را تجربه می کند، پرسشی است بی پاسخ برای اتمام این گزارش.



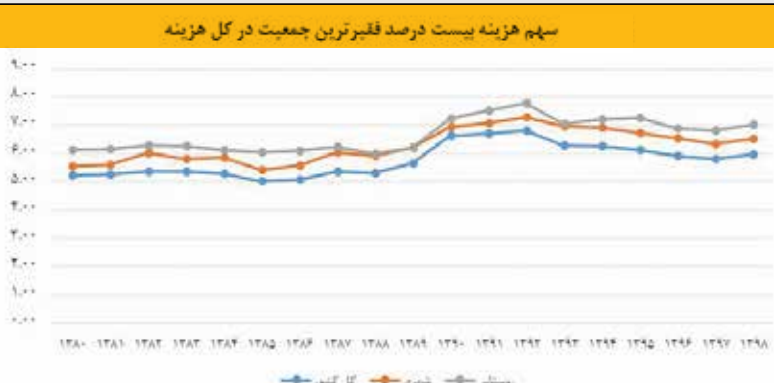
«ایران» از تأثیر هدمندی یارانه ها بر کاهش ضریب جینی گزارش می دهد

یارانه نقدی علیه فاصله طبقاتی

■ گروه اقتصادی / سال هاست یارانه هایی که در اقتصاد ایران دست به دست و پرداخت می شود، یکی از بحث های اصلی محافل کارشناسی و دولتی است. از چند دهه قبل، تلاش دولت ها برای حمایت از مصرف کنندگان باعث شده است تا با نرخ هایی در کالاهای مختلف مواجه باشیم که با ارزش واقعی آنها تفاوت و گاه شکاف بسیاری دارد. در این میان بخشی از این یارانه ها به صورت آشکار در جامعه توزیع می شود و بخش عمده دیگر حالت پنهان دارد. بر همین اساس، طبق تازه ترین آماري که از حجم کل یارانه های آشکار و نهان کشور ارائه شده است، سالانه ۱۵۰۰ هزار میلیارد تومان یارانه پرداخت می شود. رقمی که در بخش یارانه های انرژی - که سهم غالب را در کل یارانه ها دارد - ایران را در جدول کشورهای جهان بالاتر از کشور چین با ۱،۵ میلیارد نفر جمعیت قرار داده است. در همین راستا، طی دهه های اخیر تلاش های متعددی برای ساماندهی و عادلانه کردن یارانه ها انجام شده است که مهم ترین آن هدمندی یارانه هاست که در روزهای پایانی آذرماه سال ۱۳۸۹ به صورت رسمی کلید خورد. در این دوره با اصلاح قیمت حامل های انرژی و سوخت و واقعی کردن قیمت ها، مقرر شد تا درآمد حاصل از اجرای این طرح میان خانوارها (به صورت یارانه نقدی)، بخش تولید (برای اصلاح مصرف انرژی) و دولت (به منظور توسعه بخش سلامت) تقسیم شود. اما در عمل تمام درآمد حاصل میان حدود ۷۶ میلیون ایرانی در آن زمان توزیع و ماهانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومان به ازای هر ایرانی به حساب سرپرست خانوار واریز شد که این روند بدون تغییر در مبلغ تا امروز ادامه دارد. در این شرایط به اعتقاد بسیاری از اقتصاد دانان برای ساماندهی اقتصاد باید طرحی شبیه هدمندی یارانه های برای حذف تدریجی یارانه های کلانی که در اقتصاد توزیع می شود، انجام شود. به زعم کارشناسان، به دلیل ثبات نسبی قیمت ها در ایران بخصوص در بخش انرژی هر ساله فاصله قیمت های جهانی با داخل کشور افزایش می یابد و این عاملی برای کاهش کارآمدی و بهره وری اقتصاد ملی معرفی می شود و در دل خود به قاچاق کالاهای مشمول قیمت گذاری از یک سو و افزایش نابرابری ها در زمان زده است.

■ آیا یارانه نقدی فاصله طبقاتی را کم می کند؟

سؤالی که باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا پرداخت یارانه نقدی و اصلاح قیمت ها نابرابری موجود در توزیع درآمد را به نفع افشار کم درآمد کاهش می دهد؟ برای پاسخ به این پرسش باید تاثیر قانون هدمندی یارانه ها را در توزیع درآمد بررسی کرد تا مشخص شود آیا هدفمند کردن یارانه ها شفاف طبقاتی را کاهش می دهد یا عملاً یک معکوس دارد. بررسی مهم ترین و اصلی ترین شاخص های توزیع درآمد در کشور نشان می دهد که پس از اجرای هدمندی یارانه ها از اواخر سال ۱۳۸۹، توزیع درآمد در اقتصاد ایران به میزان قابل توجهی بهبود یافته است. هرچند که از سال ۱۳۹۳ به واسطه افزایش نرخ ارز و فشار تحریم ها دوباره روند صعودی به ضریب جینی بازگشت. ضریب جینی یا (شاخص جینی) (Gini index) معیار اندازه گیری توزیع درآمد (ثروت) در یک جمعیت است که اولین بار توسط آماردان ایتالیایی «کورادو جینی» (Corrado Gini) در سال ۱۹۱۲ میلادی به وجود آمده است. این ضریب همچنان جزو یکی از شناخته شده ترین شاخص های نابرابری در بین بیش از ۵۰ شاخص به شمار می آید. به طور معمول، از این شاخص برای سنجش نابرابری اقتصادی استفاده می شود. این شاخص توزیع درآمد یا به عبارتی توزیع ثروت در میان یک جمعیت را بررسی می کند. ضریب جینی اعدادی بین صفر تا یک را به خود می گیرد که صفر (۰٪) نشان دهنده برابری



این شاخص به ۰،۳۹۰۰ و در سال ۱۳۹۶ به ۰،۳۹۸۱ رسید. بدین ترتیب در سال ۱۳۹۷ دوباره ضریب جینی به محدوده پیش از اجرای قانون هدمندی یارانه ها بازگشت. در این سال این ضریب به ۰،۴۰۹۳ عقبگرد کرد ولی در سال ۱۳۹۸ اتفاقاتی که در زمینه افزایش یارانه سه دهک پایین درآمدی رخ داد و باعث شد تا بخشی از ایرانی ها علاوه بر یارانه نقدی ماهانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی، یارانه معیشتی مربوط به افزایش قیمت بنزین را دریافت کنند و بدین ترتیب موازنه توزیع درآمد به نفع افشار کم درآمد تغییر کرد، اتفاقی که خود را در ضریب جینی سال ۱۳۹۸ نیز نشان داد به طوری که این شاخص در این سال به ۰،۳۹۹۲ بهبود یافت که تغییر محسوسی نسبت به سال قبل از آن دارد.

■ تأثیر هدمندی بر هزینه کم درآمد ها

در کنار ضریب جینی، شاخص سهم هزینه ۲۰ درصد کم درآمد کشور به کل هزینه ها نیز روایت مشابهی از تأثیر قانون هدمندی یارانه ها بر بهبود توزیع درآمد در کشور دارد. طبق آمارهای ارائه شده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۵ سهم هزینه ۲۰ درصد کم درآمد ها به هزینه کل کشور تنها ۵،۰۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۶ این سهم با تغییر بسیار اندکی به ۵،۰۷ درصد رسیده است. در سال ۱۳۸۷ با بهبود نسبی این شاخص به ۵،۳۵ درصد رسیده و در سال ۱۳۸۸ دوباره به ۵،۳۱ درصد افت کرده است. اما در سال ۱۳۸۹ همزمان با اجرای هدمندی یارانه ها از اواخر این سال، سهم هزینه ۲۰ درصد کم درآمد ها از کل به ۵،۶۵ درصد بهبود یافته است. روندی که در سال ۱۳۹۰ به عنوان نخستین سال پس از اجرای هدمندی یارانه ها به ۶،۶۳ درصد ارتقا یافت. بدین ترتیب در اولین سال سهم هزینه کم درآمد ها حدود یک درصد بهبود یافته است.

در سال ۱۳۹۱ سهم کم درآمد ها از هزینه کل بازهم افزایش یافت به طوری که به ۶،۷۰ درصد رسید. در سال ۱۳۹۲ نیز با تلاوم این روند این سهم به ۶،۷۹ درصد افزایش یافت. اما همانند ضریب جینی، از سال ۱۳۹۳ شاهد عقبگرد میزانی که در این سال سهم هدمندی، در سال ۱۳۹۳ این سهم به ۶،۲۹ درصد، در سال ۱۳۹۴ به ۶،۲۷ درصد و در سال ۱۳۹۵ به ۶،۱۳ درصد کاهش یافت. با تشدید تحریم ها و رشد نرخ ارز از سال ۱۳۹۶ عقبگرد بزرگ تری را در این سهم شاهد هستیم به محدوده ۵ درصد بازگشت. در این سال سهم هزینه ۲۰ درصد کم درآمد به هزینه کل به ۵،۹۱ درصد کاهش یافت و در سال ۱۳۹۷ به ۵،۸۰ درصد رسید ولی همانگونه که اشاره شد اضافه شدن یارانه معیشتی حاصل از افزایش قیمت بنزین با هدف قراردادن افشار کم درآمد باعث شد تا دوباره در سال ۱۳۹۸ این سهم رو به افزایش بگردد. در این سال سهم هزینه

۲۰ درصد کم درآمد از هزینه کل به ۵،۹۶ درصد ارتقا یافته است.

■ هزینه ثروتمندان چه تغییری کرد

برای بررسی دقیق تر تأثیر هدمندی یارانه ها و توزیع یارانه نقدی میان مردم، علاوه بر سهم هزینه کم درآمد ها باید سهم هزینه پردرآمدها را هم مورد تحلیل قرار داد تا مشخص شود که توزیع درآمد چه میزان به سمت تعادل رفته است. در شاخص سهم هزینه ۲۰ درصد پردرآمدها به هزینه کل نیز نتیجه یکسانی به دست می آید. در سال ۱۳۸۵ سهم ۲۰ درصد پردرآمدها ۴۷،۵۲ درصد بود که در سال ۱۳۸۶ به ۵۰،۲۳ درصد افزایش یافته که به معنای توزیع درآمد کاملاً نابرابر است، چرا که ثروتمندان سهم بیشتری را در هزینه و مصرف به خود اختصاص داده اند. در سال ۱۳۸۷ این سهم به ۴۸،۱۱ درصد و در سال ۱۳۸۸ به ۴۷،۸۵ درصد رسیده است. در سال ۱۳۸۹ که در ماه های آخر آن توزیع یارانه های نقدی آغاز شد، سهم ۲۰ درصد پردرآمدها به ۴۸،۲۲ درصد رسیده است. اما در سال ۱۳۹۰ پس از اجرای قانون هدمندی یارانه ها به یکباره سهم ۲۰ درصد پردرآمدها از هزینه کل به ۴۴،۹۸ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که همزمان همانگونه که بررسی شد، سهم کم درآمد ها نیز در این سال افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۱ نیز بازم سهم پردرآمدها از هزینه ها کاهش یافته و به ۴۴،۵۶ درصد رسیده است، رقمی که در سال ۱۳۹۲ به ۴۴،۶۲ درصد رسیده است. همانند سایر شاخص ها، از سال ۱۳۹۳ دوباره سهم پردرآمدها از هزینه کل بیشتر شده به طوری که در این سال این سهم به ۴۵،۶۵ درصد و در سال ۱۳۹۴ به ۴۵،۲۲ درصد رسیده است. از سال ۱۳۹۵ توزیع درآمد نابرابر تر شده و سهم ثروتمندان از هزینه های کل افزایش یافته است به طوری که در این سال دوباره این سهم به ۴۶،۶۷ درصد رسید و در سال ۱۳۹۶ به ۴۷،۳۰ درصد رشد کرد. در سال ۱۳۹۷ سهم پردرآمدها از هزینه کل به ۴۸،۵۰ درصد رسید. با این حال در سال ۱۳۹۸ به دنبال اختصاص یارانه معیشتی به ۶۰ میلیون ایرانی، با رشد سهم کم درآمد ها، سهم پردرآمدها از هزینه ها رو به کاهش گذاشت و به ۴۷،۴۹ درصد رسید.

■ مقایسه سهم پردرآمد کم درآمد ها از هزینه ها

نگاهی به سهم هزینه ۲۰ و ۴۰ درصد هزینه پردرآمدها به کم درآمد ها نیز کمک زیادی برای تحلیل تأثیر هدمندی یارانه ها بر توزیع درآمد می کند. مقایسه سهم هزینه ۱۰ درصد پردرآمدها به ۱۰ درصد کم درآمد ها نشان می دهد که در سال ۱۳۸۵ این نسبت ۱۷،۲ درصد بوده که در سال ۱۳۸۶ به ۱۷،۵۹ درصد رسیده است. اما از سال ۱۳۸۷ این نسبت رو به کاهش گذاشته است به طوری که در این سال این سهم به ۱۵،۷۹ درصد رسید. هرچند در سال ۱۳۸۸ سهم هزینه ۱۰ درصد پردرآمدها به ۱۰ درصد هزینه کم درآمد ها به ۱۵،۹۷ درصد رسید، ولی در سال ۱۳۸۹ این سهم به ۱۴،۷۱ درصد کاهش یافت. نکته جالب تر اینکه در سال ۱۳۹۰ به عنوان نخستین سال بعد از اجرای هدمندی یارانه ها این نسبت به یکباره به ۱۱،۰۹ درصد سقوط کرده و در سال ۱۳۹۱ به محدوده ۱۰ درصد رسیده است. در سال ۱۳۹۱ این سهم به ۱۰،۷۹ درصد و در سال ۱۳۹۲ به ۱۰،۶۸ درصد کاهش یافته است. اما همانند سایر شاخص ها از سال ۱۳۹۳ دوباره شرایط به نفع پردرآمدها تغییر کرده به طوری که در این سال این سهم به ۱۲،۳۳ درصد افزایش یافته است و در سال های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ترتیب به ۱۲،۶۵، ۱۲،۹۹ و ۱۳،۶۵ درصد افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۷ نیز یکی از بالاترین سهم ها به دست آمده و این سهم به ۱۴،۴۵ درصد رسیده ولی پس از توزیع یارانه معیشتی در سال ۱۳۹۸ دوباره این سهم به ۱۳،۶۹ درصد عقب نشینی کرده است. در خصوص سهم هزینه ۲۰ درصد پردرآمدها به ۲۰ درصد کم درآمد ها نیز همین اتفاق افتاده است. در شرایطی که در سال ۱۳۸۸، ۲۰ درصد پردرآمدها ۹ برابر ۲۰ درصد کم درآمد هزینه می کردند، این نسبت در سال ۱۳۸۹ به ۸،۵۴ درصد، در سال ۱۳۹۰ به ۶،۷۸ برابر کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۱ نیز این نسبت به ۶،۶۵ درصد و در سال ۱۳۹۲ به ۶،۵۷ کاهش یافته است. در سهم هزینه ۴۰ درصد پردرآمدها به ۴۰ درصد کم درآمد ها نیز سهم ۵ برابری سال های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ به ۳،۸۰ کاهش یافته است، روندی که تا سال ۱۳۹۲ به ۳،۷۱ درصد هم کاهش یافت. گرچه از سال ۱۳۹۳ دوباره این نسبت به سمت نابرابری بیشتر حرکت کرد و در سال ۱۳۹۷ دوباره به ۴،۴۱ افزایش یافت، اما با اختصاص یارانه معیشتی روند بهبود آن آغاز شد به گونه ای که در سال ۱۳۹۸ به ۴،۲۵ رسید.

